



جلسه بیست و یکم - درس خارج مهدویت - ۹ / ۱۲ / ۹۱

جلسه بیست و یکم - ۹۱/۹/۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين سيما امام زماننا روحى وارواح من سواه لتراب مقدمه الفداه.

مقدمه

در ابتدا، قبل از پرداختن به تنمه اشکالات صاحب کتاب تاریخ مابعد الظهور، اقسام تواتر را بیان می کنیم چون اصطلاح تواتر در بحث مرحوم صدر و به طور کلی در مباحث رجعت، کاربرد زیادی دارد. بحث ما راجع به اقسام تواتر است.

اقسام تواتر

ما سه نوع تواتر داریم، آن که معروف است دوتاست. تواتر لفظی و تواتر معنوی.

۱- تواتر لفظی

«ما اتحد الفاظ المخبرين في خبرهم» به عبارة ديگر، مدلول مطابقی اخبار یکی باشد. یک عبارت و یک لفظ را همه یا آن عده، خبرش را می دهند. مثلاً پیامبر اکرم ۹ می فرماید: «من كذب عليّ متعمداً فليتبوء مقعده من النار» کسی که از روی عمد به دروغ چیزی را به من نسبت دهد، نشیمنگاهش پر از آتش خواهد شد. وقتی لفظ چنین روایتی از چند طریق وارد شده و آن لفظ خاص تکرار پیدا کند، روایت متواتر لفظی خواهد بود.

۲- تواتر معنوی

الفاظ متعدد است ولی همه الفاظ، دلالت بر یک معنای مشترک داشته و ما از این نقل‌ها علم، به قدر مشترک پیدا می کنیم. مثلاً شجاعت مولایمان علی ابن ابی طالب علیه ۷ در روایات متعددی وارد شده است، روایتی، شجاعت آن حضرت را در جنگ بدر، روایت دیگر در جنگ احد و جریان بنی عبد الدار (قضیه جالبی است حتماً مراجعه نمایید) و یا جنگ احزاب و روایات دیگر شجاعت امیرالمومنین ۷ را در جنگ های مختلف را بیان می کند. همه این روایات، از نظر لفظ متفاوت و هر کدام اشاره به یک قضیه ای دارند (معنای مطابقی شان متفاوت است) ولی تمام این روایات، مستلزم یک معنی است و مشترک در یک معنی است و آن شجاعت مولایمان امیرالمومنین ۷ است. [۱]

[ftn1 #]

۳- تواتر اجمالی

مرحوم مروج در منتهی الدراية می فرماید: هو إصطلاح جديد من المصنف (یعنی صاحب کفایه) و لم نعثر عليه في كتب الدراية. تواتر اجمالی یک اصطلاح جدید است و در کتب درایه با این برخورد نکرده ایم. ایشان معنای تواتر اجمالی را این چنین، بیان می کنند:

«صدور جملة من الأخبار مع إختلافها عموماً و خصوصاً و العلم إجمالاً بصدور بعضها» [۲]. [ftn2 #]

طایفه ای از روایات صادر شده که در عموم و خصوص با هم تفاوت داشته و ما علم اجمالی داریم که بعضی از این روایات از معصوم صادر شده است.

مثالی برای تواتر اجمالی می زنم. آیا روایاتی که بخاری یا مسلم نقل می کند، ما یقین داریم که همه اش کذب است؟ بلکه از آن طرف علم اجمالی داریم که بعضی از این روایات از پیامبر اکرم ۹ صادر شده است.

تواتر اجمالی در بیان مرحوم خوئی

مرحوم خوئی می فرماید: تواتر اجمالی را اینگونه معنی کرده اند:

«عبارة عن نقل أخبار كثيرة غير متفقة على لفظ و لا على معنى الا انه يعلم بصدق واحد منها لإمتناع كذب الجميع عادة»

روایات متعددی که در لفظ و معنی متفق نیستند ولی علم داریم که یکی از اینها قطعاً صادر شده و ممتنع است که بگوییم همه اینها دورغ است.

* همین نسبتی که متأسفانه الان با تمام جرأت بعضی از عامه به روایات ما می دهند. می گویند کل روایاتشان نعوذ بالله کذب است. ما نسبت به روایات آنها نمی‌توانیم بگوییم که همه روایاتشان کذب است، چون علم اجمالی به صدور بعضی از اینها داریم، هر چند راوی روایت، ابو هریره باشد. تعدادی از این روایات اقاریر (اقرارها) است. مثلاً وقتی عبد الله بن عمرو عاص به امام حسین ۷ اشاره کند و بگوید: «هذا أحب أهل الأرض إلى أهل السماء» این بزرگوار؛ حسین بن علی ۷، محبوبترین زمینیان در نزد آسمانیان است. گرچه راوی اش عبد الله بن عمر عاص است ولی می پذیریم چون اینها اقرار است و دلیلی بر جعل چنین روایتی اصلاً وجود ندارد.

مناقشه مرحوم خوئی در مورد تواتر اجمالی

«لا يخفى ان الاخبار إذا بلغت من الكثرة ما بلغت فإن كان بينها جامع يكون الكل متفقاً على نقله فهو راجع إلى التواتر المعنوي والا فلا وجه لحصول القطع بصدق واحد منها بعد جواز كذب كل واحد منها في حد نفسه وعدم ارتباط بعضه ببعض فالحق هو انحصار التواتر في القسمين الأولين لا غير» [۳]. [ftn3]

اگر روایات به یک حدی از کثرت رسیده و جامعی بینشان باشد، متواتر معنوی می شود و اگر جامعی نداشته باشد، وجهی ندارد که بگوییم قطع به صدق یکی از اینها داریم بعد از اینکه در هر کدام از روایات فی نفسه، امکان کذب است و ارتباطی هم بین آنها نمی‌باشد (با یک لفظ خاص نقل نشده که تواتر لفظی شود و قدر مشترکی هم ندارد که تواتر معنوی بشود)، پس حق این است که ما فقط تواتر لفظی و معنوی را بپذیریم. (تواتر اجمالی را نمی‌پذیرد)

ادامه کلام مرحوم صدر در تاریخ ما بعد الظهور

مرحوم صدر روی عبارت تواتر معنوی و گاهی تواتر اجمالی تکیه دارد، باید ببینیم کاربرد چنین اصطلاحی از طرف ایشان در محل خودش است و یا بی مورد است. ایشان بعد از اشکالات بر مرحوم مجلسی (که جواب داده شد)، اشکالات عامی هم دارد که اختصاص به مرحوم مجلسی نداشته و خطابش شامل دیگران هم می شود. اما بیان اشکالات:

المناقشة الأولى

«عدم اتحاد الأخبار بالمضمون. فإن مداليلها مختلفة اختلافاً شديداً. حتى لا يكاد يشترك خبران على مدلول واحد تقريباً»

مضامین این روایات، بسیار مختلف و پراکنده بوده تا آنجا که تقریباً نمی‌توان در میان آنها دو خبر با مضمونی یکسان را یافت. (یعنی روایات رجعت تواتر معنوی ندارد و گویا تواترش اجمالی است. عبارت نداشتن دو روایت به یک مضمون از ایشان عجیب است کسی که به روایات یک نگاهی انداخته باشد، اینگونه صحبت نمی‌کند. آیا ما دو روایت نداریم که مضمونشان یکی باشد؟ برای شما چندین روایت می‌آوریم که یک مضمون داشته و متواتر معنوی باشد)

مرحوم صدر می‌فرماید: «والمدايل التي تعرب عنها الأخبار عديدة»

اخبار، مضامین مختلفی دارند که در صورت های زیر دسته بندی می شود.

«المدلول الأول: رجوع من محض الإيمان محضاً ورجوع من محض الكفر محضاً»

(بازگشت مؤمنان خالص و کافران محض)

«المدلول الثاني: رجوع كل مؤمن على الإطلاق. لأنه إن كان قد مات فهو يرجع ليقتل، وإن كان قد قتل فيرجع ليموت»

بازگشت همه مؤمنان (آن که مرده، باز می‌گردد تا شهید شود و آن که شهید شده، باز می‌گردد تا بمیرد.)

«المدلول الثالث: رجوع الأنبياء جميعاً» (بازگشت همه پیامبران 😊)

«المدلول الرابع: رجوع رسول الله»

«المدلول الخامس: رجوع أمير المؤمنين علي بن أبي طالب»

«المدلول السادس: رجوع الحسين بن علي»

«المدلول السابع: رجوع جماعة من كل أمة» (بازگشت گروهی از هر امت)

«المدلول الثامن: رجوع عدد من المؤمنين في الجملة» (بازگشت شماری از مؤمنان)

«المدلول التاسع: رجوع بعض الأئمة المعصومين : إجمالاً» (بازگشت بعضی از امامان معصوم)

«المدلول العاشر: رجوع الحق إلى أهله، وهو ليس قولاً بالرجعة كما عرفنا» (رجوع حق به اهله و این رجعت نمی باشد)

«وليس شيء من هذه المداليل متواتراً في الأخبار بكل تأكيد نعم، هناك مدلول مشترك إجمالي بين الأخبار الدالة على المداليل التسعة الأولى و هو رجوع بعض الأموات إجمالاً إلى الدنيا قبل يوم القيامة. وهو ما تتسالم عليه كثير من الأخبار. ومن هنا يكون قابلاً للإثبات، إلا أنه لا ينفع القائلين بالرجعة، على ما سنقول.

(هیچ يك از این مضامین در میان روایات متواتر نیست تنها مضمون مشترك و اجمالی بین همه این مضامین عبارت است از: «بازگشت بعضی از اموات به دنیا پیش از روز قیامت». بیشتر روایات در این مضمون مشترك بوده و از این نظر قابلیت اثبات را دارند ولی به هر روی فایده‌ای به حال معتقدین به رجعت ندارد.)

* ایشان می فرمایند: این روایات مدالیشان مختلف است در حالیکه اینگونه نمی باشد و مدالیل همه روایت مثبت است و هیچ تعارضی با هم ندارند. روایتی رجوع انبیاء، یک روایت رجوع پیامبر اکرم، یکی رجوع امیر المؤمنین، یکی رجوع امام حسین، این ها به معنای نفی رجعت دیگران نمی باشد.

* همه این روایات، به فرمایش شما اشاره به رجعت دارد بنابراین اصل رجعت که با این ده ها روایت اثبات می شود، پس چرا شما در مباحث قبل، رجعت را آنقدر کوچک جلوه داده و فرمودید که رجعت: نه از اصول دین و نه از فروع دین و نه واجب الاعتقاد است و علمش را باید به اهله رجوع داد

*ایشان قائل است که: «تنها مضمون مشترك و اجمالی بین همه این مضامین عبارت است از: «بازگشت بعضی از اموات به دنیا پیش از روز قیامت.» البته مقصود ایشان از اجمالی، تواتر اجمالی نیست بلکه، قطعاً منظورشان همان تواتر معنوی است. بعد می فرماید که بر این معنا - بازگشت بعضی از اموات به دنیا - روایات زیادی دلالت دارد و از این نظر، مقداری قابل اثبات است ولی به درد قائلین به رجعت نمی خورد. چرا؟

المناقشة الثانية

« إن الإلتزام بصحة المداليل التسعة جميعاً، أي القول بصحة الرجعة على إطلاقها، مما لا يمكن، لضعف الأخبار الدالة على كثير منها. و أما الإلتزام بها إجمالاً، بالمعنى الذي أشرنا إليه، فهو لا ينفع القائلين بالرجعة، لأن القول

بالرجعة من الناحية الرسمية يتضمن أحد المعاني الثلاثة التي ذكرناها في أول الفصل. وهذا المعنى الإجمالي لا يعني واحداً منها. بل ينسجم مع افتراضات أخرى كما هو واضح. فهي لا تتعين في حدوثها بعد وفاة المهدي مباشرة، ولا أنها على نطاق واسع ولا تتعين في أحد المعصومين ولا من محض الإيمان محضاً، ولا غير ذلك نعم، هناك مداليل تتكرر في الأخبار، وواضحها رجوع الإمام أمير المؤمنين بصفته دابة الأرض التي نص عليها القرآن الكريم. إن هذه المداليل لا ترد عليها هذه المناقشة، وهي قابلة للإثبات من زاويتها.

پذیرش صحت این مضامین (یعنی اعتقاد به رجعت به طور کلی)، به دلیل ضعف بیشتر این اخبار ممکن نیست. البته پذیرش اجمالی آن نیز به معنایی که گفتیم سودی به حال معتقدین به رجعت ندارد...

البته مضامینی در این اخبار تکرار شده است که روشن‌ترین آن، بازگشت امیر المؤمنین ۷ می‌باشد که به تعبیر قرآن کریم «دابة الارض» همان است.

* مرحوم صدر می فرماید: ما به خاطر ضعف روایات، نمی‌توانیم به این مدالیل نه گانه ملتزم بشویم!

جواب ما: کلام ایشان صحیح نمی‌باشد زیرا وقتی روایات متعدد و متواتر شد، نیاز به بررسی سندی ندارد. علاوه بر اینکه در بین این اخبار، روایات صحیح‌السند و صریح هم داریم. مرحوم علامه طباطبائی فرمودند پانصد روایت در موضوع رجعت، داریم، آیا تمامی روایاتش ضعیف است؟ و یا در صورت وجود پانصد روایت، نیازی به بررسی سندی می‌باشد؟ مرحوم خوئی در معجم، در موارد متعدد به این مبنا اشاره دارد که در صورت استفاضه، نیازی به بررسی سندی نمی‌باشد (یغنینا عن الدراسة السندیة) چه رسد به تعدد و تواتر روایات، (برای اطلاع از این مبنا به شرح حال زید، شرح حال ابن عباس و شرح حال یکی از اصحاب امیر المؤمنین ۷ [عمر بن حمق] به معجم مراجعه نمایید).

* ایشان می فرماید: «و أما الإلتزام بها إجمالاً، بالمعنى الذى أشرنا إليه، فهو لا ينفع القائلين بالرجعة»

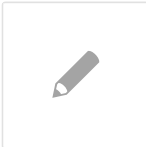
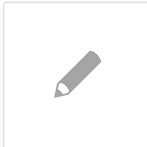
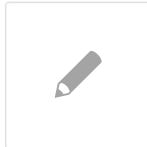
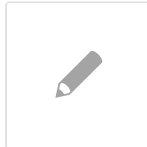
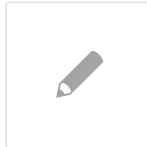
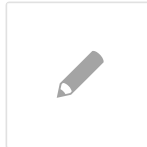
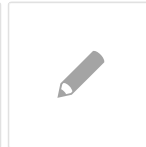

من کراً عرض کرده ام، و از بزرگان هم شنیده ایم و به تبع از آن‌ها می‌گوییم: آن چیزی که لازم است اعتقاد به آن پیدا کنیم اصل رجعت است نه هیچ یک از تفاسیل آن. در تفاسیل، اگر روایت صحیح‌السند داشته باشیم، آن را می‌پذیریم و اگر نه فقط، پایبند به اصل می‌شویم. ما در مقام اثبات اصل رجعت هستیم که با تواتر اجمالی هم قابل اثبات است، پس شما مولف محترم «تاریخ ما بعد الظهور» در صدد خدشه به اصل رجعت هستید و یا تفاسیل آن؟

[۱] برای اطلاع بیشتر به قوانین مرحوم قمی و یا مقباس الهدایه مراجعه کنید. مرحوم محقق قمی برای هر کدام از اینها مثال هایی زده اند مثلا، برای تواتر، جریان غدیر و عبارت «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» را بیان می کند. هر چند طرق این روایت مختلف است ولی همه این عبارت را نقل می کنند. / مرحوم خوئی تواتر را اینگونه بیان می کنند: ان التواتر المفيد لقطعية الخبر اما أن يكون لفظيا أو معنويا أو اجماليا (والمراد) من الأول أن يكون الخبر بلفظه منقولاً بكثرة يمتنع معها تواطؤ الناقلين على الكذب (ومن الثاني) أن يكون معنى واحد منقولاً بألفاظ متعددة من الناقلين من باب النقل بالمعنى بتلك الكثرة أو يكون ملزوما لما نقل بتلك الكثرة كما يثبت شجاعة أحد من نقل جماعة حروبه في مواقع كثيرة يمتنع تواطئهم على الكذب عادة وان لم يكن كل واحد من مواقع حروبه ثابتا بالتواتر وربما يجعل القسم الأول من الثاني من التواتر اللفظي ولا مشاحة في الاصطلاح وأما التواتر الاجمالي فهو على ما قيل عبارة عن نقل أخبار كثيرة غير متفقة على لفظ ولا على معنى واحد الا انه يعلم بصدق واحد منها لامتناع كذب الجميع عادة (أجود التقريرات، تقرير بحث النائيني، للسيد الخوئي، ج ۲، ص ۱۱۲ و ۱۱۳)

[۲] مروج، منتهی الدراية، ج ۴، ص ۴۲۳

[۳] أجود التقريرات، تقرير بحث النائيني، للسيد الخوئي، ج ۲، ص ۱۱۳

شاید این موارد نیز مورد علاقه شما باشد

							
کتاب حقوق	جلسه بیست	جلسه سی و	جلسه ۹ بحث	روایات سفیانی خروج - یاجوج	السلف و	جلسه ۲۱ بحث	امامت و
زندانی و موارد	چهارم - بحث	هفتم - بحث	روایات سفیانی خروج - یاجوج	السلفیون - (به روایات سفیانی)	مهدویت،	گفتگو با استاد	مهدویت،
زندان در اسلام	قیام های قبل	قیام های قبل	دریسی خارج	و مأجوج =	عربی)	درس خارج	گفتگو با استاد
	از ظهور - درس	از ظهور - درس	مهدویت =	درس خارج	مهدویت =	نجم الدین	نجم الدین
	خارج مهدویت	خارج مهدویت	مهدویت =	مهدویت =	طیسی	۹۰/۰۷/۲۳	طیسی
	۹۳/۰۲/۰۶ -	۹۳/۰۳/۱۱ -	۹۱/۰۲/۱۰				